



تدوین نظام الهیاتی جدید و متناسب نیازهای انسان معاصر ضروری است

پیامبرشناسی باید به عنوان شاخه ای از الهیات به نحوی مستقل و متمایز در کلام اسلامی و الهیات اسلامی معاصر گنجانده و به تدوین نظام الهیاتی جدید و متناسب با نیازهای جامعه معاصر و انسان معاصر اقدام کرد.

پیامبرشناسی باید به عنوان شاخه ای از الهیات به نحوی مستقل و متمایز در کلام اسلامی و الهیات اسلامی معاصر گنجانده و به تدوین نظام الهیاتی جدید و متناسب با نیازهای جامعه معاصر و انسان معاصر اقدام کرد.

به گزارش خبرنگار مهر، دکتر همایون همتی در کارنامه خود تاکنون ۳۰ عنوان کتاب را منتشر کرده و مقالات متعددی را در باب موضوعاتی چون عرفان و ادیان به رشته تحریر درآورده است. وی متولد سال ۱۳۳۸ از ایلام است و پس از انقلاب در نخستین دوره دانشکده الهیات دانشگاه تهران پذیرفته و لیسانس و فوق لیسانس خود را در رشته کلام و فلسفه گرفته و به دنبال آن در رشته عرفان و ادیان دکتری می‌گیرد.

همتی عضو هیئت علمی دانشگاه تهران است و سابقه رایزنی فرهنگی کشورمان در آلمان را نیز دارد و هم اکنون در دانشگاه‌های قم و تهران تدریس می‌کند. وی آثاری چون «مفهوم امر قدسی»، «شناخت دانش ادیان» و «درآمدی بر الهیات معاصر» را از رودلف اوتو اندیشمند و متفکر آلمانی ترجمه و تألیفاتی مانند «طنین اندیشه»، «مقالات فلسفی»، «تاریخچه دین و دین پژوهی» و «فلسفه دینی» و ... را در کارنامه دارد.

وی در یادداشت کوتاه ذیل می‌کوشد تا نگاهی نوین به مفهوم نبوت داشته باشد و از طریق نشان دادن ابعاد گسترده و رو به افزایش این بحث و مسایل مرتبط و شباهت و پرسشهای نوپدید بر ضرورت «دانش کلام» استدلال کند.

در ادیان ابراهیمی مثل اسلام، یهود و مسیحیت که دین های توحیدی بزرگ جهان اند پیامبر به انسانی گفته می‌شود که از نوعی آگاهی ویژه وحیانی یا غیب آگاهی برخوردار است. او مرتبط با عالم غیب است و با مبدأ جهان ارتباط دارد، دارای علم شهودی مستقیم و بی واسطه به موجودات است و دارای رسالت و مأموریتی برای هدایت انسانهاست. او خصلت‌های معنوی شگفتی دارد و انسانی آزاده و وارسته از تعلقات است. با پیامی ویژه از سوی خدا می‌آید و دغدغه رشد و هدایت انسانها را دارد. برای خودش چیزی نمی‌خواهد و مزدی طلب نمی‌کند. آماده رویارویی با دشواری ها و تحمل آزارها است. او غیب آگاهی وحیانی دارد. وحی هم نوعی معرفت شهودی و هم گونه‌ای ارتباط وجودی است که پیامبران از آن برخوردارند. پیامبر، دریافت کننده و بیان کننده وحی است. وحی، مشتمل بر جهان بینی خاص الهی در تفسیر هستی و انسان، نظام اخلاقی و هنجارها و ارزشهای اخلاقی و احکام و آدابی برای تحقق این باورها و ارزش‌هاست که غالباً در شکل یک "متن" یا "کتاب" عرضه می‌شود لذا این ادیان را ادیان مبتنی بر کتاب (scriptural) هم می‌گویند. اینکه این متن یا کتاب چگونه تدوین یافته و دارای چه خصوصیات است مجال دیگری می‌طلبد و اکنون جای بحث آن نیست.

نبی انسانی "بیدار شده" (The Awakened one) و به اشراق رسیده (The Enlightened one) است که با غیب جهان در ارتباط است و باطن عالم را می‌بیند. او اتصال وجودی با حق تعالی و آموزگار جهان دارد و اشراف وجودی بر سراسر هستی. او تربیت الهی دارد و متکی به آموزش‌های زمینی و متعارف دنیوی نیست. او از تعلیم الهی برخوردار است. جهانی است نبشته در گونه‌ای. فرشته بر او نازل می‌شود، او را می‌بیند و با او سخن می‌گوید. او مأمور به ابلاغ است. او پیک الهی است. آمده است تا انسان ها را از سرگشتگی و بیراهه رفتن و کژروی ها نجات دهد. حضور او به منزله پایان دادن به گم گشتگی بشر گم کرده راه است.

آمده است تا مرهمی باشد بر دردهای بی شمار بشر آزمند و خودخواه. پایانی است بر ستم، بی عدالتی، تحقیر و تبعیض و بهره کشی. او احیاگر کرامت انسان و پاسدار حقوق او است. آمده است تا بشر بی پناه را راه بنماید. با خدا آشنا سازد و "معنای زندگی" را به او بفهماند. پیامبر با پیام خود جهت گیری (Orientation) جدیدی به زندگی انسان ها می‌دهد. مسائل وجودی آدمیان (Existential Questions) را پاسخ داده و روح او را شکوفا می‌سازد و نشاط و امید به زندگی او می‌دهد. نبوت، انرژی جدیدی وارد زندگی انسانها می‌سازد که با آن زندگی کنند. هنجارهای جدیدی به آنها می‌آموزد تا رفتار جاهلی و جاهلانه را به یک سو نهند و تولد جدیدی (New Birth) بیابند و با "هستی جدیدی" (A New Being) نام کتابی از پل تیلیخ، متأله مسیحی معاصر است) به زندگی ادامه دهند. نبوت تنها در ابعاد فردی خلاصه نمی‌شود بلکه ابعاد فراوان و گوناگونی دارد و زندگی اجتماعی آدمی را نیز سامان می‌بخشد و روابط میان فردی را هم بهبود می‌بخشد و حیاتی نو پدید می‌آورد که انسانها در عین برخورداری از لذت‌های مشروع و مواهب دنیوی با معنویت زندگی می‌کنند و گرگ یکدیگر نیستند و درنده خویی و فریبکاری، زیاده خواهی و ستم پیشگی را کنار می‌نهند. نبوت در پی رشد و تعالی همه جانبه انسان‌ها است و خدای مهربان که اندیشناک وضعیت انسان‌ها (Human Situation) است. برای او برنامه دارد.

آدمی رها شده و به خود وا نهاده نیست. اساساً نبوت پادزهر به خودوانه‌دگی است همان که در فلسفه هیدگر افکندگی، انداختگی یا پرتاب شدگی (Thrownness) گفته شده است. آدمی به درون هستی پرتاب نشده است بلکه با برنامه و سنجیده آفریده شده است همان که شلایرماخر به آن مخلوق بودن یا آفریدگی (Creaturedness) می‌گوید و گوهر ایمان را همین

احساس مخلوقانه، احساس آفریدگی یا احساس مخلوقیت (Sense of Creaturehood) می‌داند. نبوت نشانگر بازبودن درهای آسمان است، راه آسمان به روی بشر بسته نیست، بشر بی پناه و تنها نیست. تنهایی وجودی (Loneliness) معضل بزرگ انسان روزگار ما است. نبوت، بشارتی است به اینکه راه‌ها باز است، درها گشوده است. رفیق اعلیٰ همدم و مونس آدمی است. امکان ارتباط با حقیقت عالم هست. پیامبر واسطه اتصال بشر با خدا است. او مبعوث است. به ساحتی از هستی دست یافته است که برای انسان‌های معمولی ناممکن است. اما با وجود خویش این حقیت را ثابت می‌کند که اوجگیری بشر امکان پذیر است و آدمی در این تن خاکی خلاصه نیست.

پیامبران از خطا و انحراف مبرا هستند و هیچ گونه خطایی در آنها راه ندارد. اگر خطا کنند دیگر اعتمادی به سخنان شان نمی‌ماند و اگر انحرافی در رفتارشان دیده شود دیگر مردم به آنها اقبال نمی‌کنند و انجام رسالت شان منتفی است و زمینه ندارد. در اسلام عقیده تجسد و حلول وجود ندارد و این خصلت را در اصطلاح "عصمت" می‌نامند. ویژگیهای پیامبران بسیار است و در این نوشتار کوتاه تشریح آنها نمی‌گنجد و "مظهر" و نماینده خدا هستند نه تجسد یافتگی او، ولی در مسیحیت کاتولیک عیسی خدای حلول یافته است (God Incarnated) و برای او قائل به "الوهیت" (Divinity) هستند هرچند در مذهب پروتستان، بعضی الهی دان‌های معاصر قائل به نمایندگی او از خدا (Representativeness) هستند. در اینجا مجال آن نیست که بحث نبوت را در دیگر ادیان پی بگیریم یا دیدگاه‌های فیلسوفان دین معاصر و نیز الهی دان‌های معاصر را در سنت‌های دینی مختلف توضیح دهیم. تأکید اصلی در این نوشتار بر "کلام اسلامی" و دیدگاه‌های متکلمان مسلمان است.

کتاب‌های کلامی کهن درباره نبوت و اقسام آن، همچون "نبوت عامه" و "نبوت خاصه" سخن گفته‌اند. متکلمان به "تفاوت رسول و نبی"، ویژگی‌های پیامبر مثل "عصمت" و "معجزه" پرداخته‌اند و اینکه چگونه می‌توان یک پیامبر یا مدعی نبوت را شناسایی کرد (طریق معرفت نبی). مباحثی مثل نبی صاحب شریعت (انبیاء اولوا العزم) و غیر صاحب شریعت، "کیفیت ارتباط نبی با جهان غیب و دریافت وحی" و "ماهیت وحی و انواع آن"، "تفاوت پیامبر با امام" در این کتابها طرح و بحث شده است (برای نمونه می‌توان به شرح المواقف ایجی، شرح تجرید علامه حلی، اللوامع الالهیه، شرح الاصول الخمسه قاضی عبدالجبار متعزلی، التمهید ابوبکر باقلانی، آثار شیخ مفید، شیخ طوسی، سید مرتضی، خواجه نصیر و امام فخر رازی مراجعه کرد. در همه این کتابها و منابع کلاسیک بحث‌ها محدود به همین چند مسأله است که اشاره کردیم.

در دوران معاصر نیز در آثار اندیشمندانی مثل استاد مطهری، استاد مصباح یزدی، آیه الله جوادی آملی، استاد جعفر سبحانی، آیه الله مکارم شیرازی و بعضی شاگردان آنها نیز به بعضی مباحث افزون تر مثل "خاتمیت"، "هدف نبوت" (فلسفه نبوت)، "نیاز به پیامبر" (ضرورت نبوت)، "تفاوت پیامبران با نوابغ"، "نقش تاریخی پیامبران"، مسأله "امی بودن"، "معراج"، "علل تجدید نبوت ها"، "ارزش معجزات" و "دلالت معجزه بر صدق دعوی نبوت"، "وحی و ماهیت آن"، "نیروهای پیامبر"، "مظهریت او برای اسماء و صفات الهی"، "دانش پیامبر"، "نبوت از دیدگاه فلسفه تاریخ"، "نقش نبوت در تکامل انسان"، "رهاوردهای بعثت انبیا" مثل تعلیم، تربیت، برقراری عدالت، آزادی از اسارت‌ها، هدایت و "نیاز بشر به دین" از دیگر مباحث در آثار معاصران است. در آثار عارفان مسلمان نیز بحث‌هایی مثل "رابطه نبوت با ولایت"، "مظهریت اسماء و صفات"، "نبوت تشریعی و تعریفی" یا "نبوت مقامی" (فصوص الحکم ابن عربی) و نبی مشرّع (صاحب شریعت) و غیر مشرّع، عصمت پیامبر، معجزات او و ارتباط وجودی با عالم و ولایت تکوینی او بر همه موجودات مطرح شده است. کلیه مباحثی که در سه دانش فلسفه، کلام و عرفان درباره نبوت و پیامبری مطرح شده همینهاست ولی در روزگار ما دانش‌هایی تحت عنوان "کلام جدید" یا "الهیات نوین" [۱]، "جامعه‌شناسی دین"، "روانشناسی دین"، "فلسفه دین" و "دین‌شناسی تطبیقی" پدید آمده‌اند که نگاه‌های دیگری به پدیده پیامبری دارند و رویکردهای جدیدی را در این مورد به کار گرفته‌اند.

بحث‌هایی مثل "تیپولوژی پیامبران" در جامعه‌شناسی دین و روانشناسی دین مطرح شده است. مثلاً ماکس وبر و یواخیم واخ به تیپولوژی انواع رهبران دینی پرداخته‌اند و درباره ویژگی‌های کاریزماتیک پیامبران و رهبران دینی به طور عام سخن گفته‌اند و در ضمن این کاوش‌ها به مقایسه پایگاه اجتماعی و عملکرد پیامبر (ص) با شخصیت‌هایی مثل قذّیس [۲]، پیشگو [۳]، جادوگر [۴]، کاهن، روحانی [۵] و عارف [۶] پرداخته‌اند. در رشته "روانشناسی دین" برای مثال به بحث از حالات پیامبران و ویژگی‌های "تجربه دینی" [۷] آنان و نوع شخصیت و تیپ شخصیتی پیامبر پرداخته‌اند. دانش فلسفه دین نیز به تفاوت "تجربه‌های نبوی" [۸] با "تجارب عرفانی" [۹] عارفان و "تجربه دینی" مؤمنان پرداخته و کوشیده است ویژگی‌های هر یک را باز نماید یا درباره معجزات پیامبر در پرتو "پدیده‌های فرا روانشناسی" [۱۰] و با استمداد از دانش "فرا روانشناسی" و "فلسفه عرفان"، مباحث جدیدی را مطرح می‌سازد که در گذشته بی سابقه بوده است.

همچنین در باب وحی، دانش فلسفه دین و نیز دانش روانشناسی دین، سخنهای فراوانی دارند. در کلام جدید که خود، شاخه‌های متعدد و متنوعی دارد و دربرگیرنده الهیات مدرن و الهیات پست مدرن نیز هست علاوه بر ویژگی‌های شخصیت پیامبران، نحوه علم آنها، رابطه آنها با جامعه خود و فرهنگ زمانه و طبقات اجتماعی با رویکردهای جدیدی درباره وحی، تجربه نبوی، رسالت پیامبر، پدیده شناسی حالت پیامبر، بُعد فرجام شناختی و نجات بخش نبوت، رابطه نبوت و معنای زندگی، رابطه نبوت و فرهنگ، رابطه نبوت و سیاست، بحث از گزاره‌های دینی در پیام پیامبران، نحوه تلقی و دریافت وحی توسط پیامبر، بحث هستی‌شناسی در نحوه ارتباط پیامبر با جهان غیب، جایگاه شریعت و مناسک در پیام نبوی و چگونگی اجرای شریعت در جهان مدرن می‌پردازند. دانش‌هایی مثل معرفت‌شناسی، فلسفه زبان، جامعه‌شناسی فرهنگ، انسان‌شناسی، روانشناسی اجتماعی در کنار الهیات و فلسفه دین، در مسأله پیامبری و تحلیل نبوت، فعالانه مشارکت دارند. مسأله حقانیت ادیان، تعدّد یا وحدت ادیان، پلورالیسم دینی، نقش پیامبران در تمدن‌سازی، رهبری، هدایت انسان‌ها، تعلیم و تربیت، تفسیر دین، استقرار

عدل در جامعه، تحقق آزادی، زدودن جهالت، تحقق ارزش‌ها، مبارزه علیه ستم و تبعیض و بی عدالتی نیز با رویکردهای جدید و نگاه‌های کاملاً نو و بی سابقه از دیدگاهی مثبت یا منفی به نحو گسترده مورد بحث این دانش‌ها قرار گرفته است.

در کنار همه اینها شبهات جدید، اشکال‌های کلامی و نیز پرسش‌های جدیدی در باب پدیده پیامبری، عملکرد پیامبران، کامیابی یا ناکامیابی آنها، محتوای معرفتی پیام آنها مطرح شده که کار متکلمان جدید را بسیار دشوار ساخته است. تنوع و تعدد این شبهات و پرسش‌ها حیرت انگیز و بی سابقه است. مثلاً بحث‌هایی که در مورد رابطه نبوت با غایت‌مندی جهان و نفی پوچ انگاری (نیهیلیسم) و نیز نفی به خودوانهادگی بشر مطرح شده است که متألهان نامداری همچون پل تیلیخ و کارل بارت به گستردگی به آن پرداخته و برای پاسخگویی بدان تلاش کرده اند از بحث‌های جدید است. یا بحث ارتباط نبوت با نفی سکولاریسم از بحث‌های الهیاتی جدید است که الهی دان‌های معاصر به آن پرداخته‌اند. مسأله "تجربه نبوی" و تمایز آن از تجربه عرفانی، دینی، هنری و زیبایی شناختی نیز از مباحث مهم فلسفه دین در روزگار ماست.

اخلاق پیامبران، شیوه زندگی آنها، موضع گیری‌های اجتماعی و نحوه برخورد آنها با فرهنگ میزبان در کنار مسائلی همچون نحوه رشد و پرورش پیامبران در جوامع، تعلیم و تربیت، آموختگی یا ناآموختگی آنها (امّی بودن) از مباحثی است که با رویکردهای جدید امروز مورد مطالعه قرار می‌گیرد. بحث از عقلانیت گزاره‌ها و آموزه‌های دینی و پیام نبوت نیز رونقی بسزا یافته است لذا دیگر نمی‌توان همچون متکلمان گذشته به چند مسأله محدود همچون معجزه، خاتمیت، حُسن بعثت و قاعده لطف بسنده کرد یا صرفاً به ردّ "شبهه براهمه" و یا شبهه ابوالعلائی معری پرداخت.

از همین روست که متکلمان این روزگار باید مجهز به چندین و چند دانش نوین باشند، افزون بر آنکه لازم است آشنایی عمیق و حتی تسلط کامل بر سنت و میراث گذشته داشته باشند. حتماً باید با دانش‌های جدید و نگاه‌های جدید به مباحث دینی و الهیاتی نیز کاملاً آشنا باشند. آشنایی با "پدیده شناسی دین"، تاریخ ادیان، الهیات مسیحی و یهودی، جنبش‌های دینی جدید، دیدگاه‌های جامعه شناسان دین، فلسفه‌های مدرن و پست مدرن برای متکلمان این روزگار، ضرورتی انکارناپذیر یافته است. در کنار این همه ضرورت دارد الهی دان‌های معاصر با جریان‌های عرفانی جدید [۱۱] در کنار تسلط کامل بر عرفان‌های کلاسیک گذشته آشنایی پیدا کنند و این برای تبیین بُعد عرفانی نبوت کاملاً ضرورت دارد.

با توجه به آنچه گفته شد صاحب این قلم بر این باور است که بحث از پیامبر شناسی (prophetology) و پدیده پیامبری باید به عنوان شاخه‌ای از الهیات به نحوی مستقل و متمایز در کلام اسلامی و الهیات اسلامی معاصر گنجانده شود و در عین بهره‌گیری از تجارب مفید گذشتگان و سنت ارزشمند و دیرپای متکلمان مسلمان به تدوین نظام الهیاتی جدید و متناسب با نیازهای جامعه معاصر و انسان معاصر اقدام نمود. این یادداشت فقط در پی طرح اصل این مسأله است و تفصیل و جزئیات این مباحث را در دیگر نوشتارها پی می‌گیریم. ما در اینجا به مناسبت مبعث پیامبر و بحث از موضوع نبوت کوشیدیم تا از طریق طرح این موضوع بر ضرورت تدوین و تأسیس کلام جدید و نظام الهیاتی نوین اسلامی استدلال کنیم، اما عین همین استدلال را می‌توان در مورد بسیاری از دیگر مباحث کلامی و اعتقادی مثل خدا، توحید، معاد، امامت و فروع هر یک از آنها نیز جاری کرد که تحقق این مطلوب مجال دیگری می‌طلبد.

این نوشتار در آستانه مبعث پیامبر رحمت و عدالت نگاشته شد و این مبعث شریف را به همه مسلمانان جهان و هموطنان عزیز خجسته باد می‌گویم و از خدای بزرگ، توفیق اقتدا به آن کاروانسالار و مقتدای ممتاز را طلب می‌کنم.

پی نوشتها:

[۱]- Modern Theology

[۲]- Saint

[۳]- Fortun Leller

[۴]- witch

[۵]- clergy

[۶]- Mystic

[۷]- Religious experience

[۸]- Prophetic experience

[۹]- Mystical experience

[۱۰]- Parapsychological Phenomena

[۱۱]- New Age Mysticism